یادداشت

حمله به دانشگاه‌ها مصداق جنایت جنگی است

حمیدرضا آقابابائیان
وکیل پایه یک دادگستری، دکتری تخصصی حقوق بین‌المللی عمومی

حقوق بین‌الملل مانند هر سیستم حقوقی دیگر باید از به‌کاربردن زور توسط دولت‌ها برای حل‌وفصل اختلافات بین دولت‌ها جلوگیری کند. «قاعده منع توسل به زور» امروزه از مهم‌ترین تکالیف دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل است و به عنوان «یک قاعده امری = Jus Cogens» شناخته می‌شود.

در تعریف مجمع عمومی از تجاوز نیز در قطع‌نامه ۱۹۷۴، تجاوز به کاربرد نیروهای مسلح محدود شده است. در سال ۱۹۲۸ دقیقا قریب ۱۰ سال پس از تأسیس «جامعه ملل» در قرارداد معروف به پیمان بریان کلوگ جنگ را کاملا تحریم کرده و در سال ۱۹۴۵ سازمان ملل متحد تأسیس شد. ماده یک منشور یکی از هدف‌های عمده سازمان ملل متحد را سرکوب تجاوز یا سایر طرق نقض صلح ذکر کرد. این مهم عینا در بند ۲ ماده ۴ منشور دایر بر اینکه تمام اعضا در روابط بین‌المللی‌شان از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مباینت داشته باشد، خودداری خواهد کرد. گرچه استثنائاتی بر تحریم عمومی استفاده از زور در قالب دفاع مشروع و دفاع جمعی و دعوت از نیروهای خارجی و تلافی و... امثالهم در منشور به چشم می‌خورد. در یک ماه گذشته برای چندین بار دانشگاه‌های علم و صنعت و شهید بهشتی و... به عنوان مراکز علمی کشور مورد حمله عمدی واقع شده است. مدارس و دانشگاه‌ها در همه ممالک دنیا آینده‌سازان کشور و مروجان و محققان علم و توسعه کشور منابع تولید علم و دانش و دانشمند هستند. حمله به ساختمان دانشگاه شهید بهشتی در ۱۴ فروردین بار دیگر افکار عمومی را به خود جلب کرد. سؤال این است آیا حمله به مراکز علمی و دانشگاهی کشور مطابق بندهای مواد ۸ و ۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جنایت جنگی نیست. اگر هست چگونه مراجع علمی و فرهنگی تحت نظر سازمان ملل متحد نسبت به آن واکنشی نشان نداده‌اند و نسبت به تخریب آینده علم و دانش در ایران نقش خنثی پیش گرفته‌اند؟ مطابق حقوق بین‌الملل، جنایت جنگی به معنای نقض قانون جنگ است و به اقدامات مانند کشتار عمدی غیرنظامیان یا اسرای جنگی، شکنجه و گروگان‌گیری و تخریب غیرضروری ام‌القوانین غیرنظامی و حمله به مراکز علمی و دانشگاهی و تجاوز جنسی و امثالهم گفته می‌شود. حمله به مراکز علمی و آموزشی کشور اعم از ساختمان‌های مدارس و دانشگاه برخلاف اصل بنیادین تفکیک در حقوق بشردوستانه است. مطابق این اصل طرفین در یک درگیری مسلحانه و در یک جنگ باید بین نظامیان و غیرنظامیان و همچنین اماکن نظامی و غیرنظامی تفکیک قائل شوند. حملات جنگی و نظامی خود را صرفا درست یا غلط به سمت اهداف نظامی متمرکز کنند. هدایت حمله به سمت اماکن غیرنظامی و غیرنظامیان چون دانشگاه شهید بهشتی و علم و صنعت و مدرسه شجره طیبه میناب ممنوع و نقض حقوق بشردوستانه است و در صورت ارتکاب مصداق جنایت جنگی محسوب شده از منظر حقوق بین‌الملل برای همه مباشران و معاونان آن تحت عنوان آمر و عامل مباشر و معاون مسئولیت کیفری بین‌المللی متصور است. برخلاف حقوق بشر که به عنوان مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌ها با تولد فرد متولد من‌جمله حقوق فطری و ذاتی آحاد بشر است مانند حق بر آزادی، امنیت، اعتراض، بهداشت و درمان و شغل و منع شکنجه و... چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح قابل اجراست. حقوق بشردوستانه به عنوان یک حقوق اضطراری قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه دربردارنده قواعد و مقرراتی است که به منظور حل مسائل بشر دوستانه از چنین وضعیت‌های ناشی می‌شوند. تفاوت عمده این در دو حقوق در این است که حقوق بشردوستانه قابل تعلیق و تعطیل نیست. در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی هر چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو به همراه پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی آن ۸ ژوئن ۱۹۷۷ اعمال می‌شوند. کنوانسیون‌های چهارگانه عبارت‌اند از:

کنوانسیون اول- حمایت از زخمیان و بیماران و نیروهای مسلح در میدان،

کنوانسیون دوم- حمایت از زخمیان و بیماران و کشتی شکستشان عضو نیروهای نظامی در دریا،

کنوانسیون سوم- حمایت از اسرائیل جنگی،

کنوانسیون چهارم- حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ و... .

بنابراین براساس قواعد صریح حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حمله به مراکز آموزشی جز در شرایط استثنائی مجاز نیست.

اصل تفکیک در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون ژنو، طرف‌های درگیر را ملزم می‌کند میان اهداف نظامی و غیرنظامی تمایز قائل شوند.

صرف‌نظر از این ماده به موجب ماده ۵۲ پروتکل، مدارس و دانشگاه‌ها اموال غیرنظامی محسوب می‌شوند و فقط در صورتی می‌توانند هدف حمله قرار گیرند که به طور مؤثر برای مقاصد نظامی مورد استفاده قرار گرفته باشند. مهم‌تر اینکه به لحاظ اهمیت موضوع مجددا این مهم در ماده ۸ بند ۲ ب و ۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تصریح شده است. مطابق این ماده «حمله عمدی به ساختمان‌های اختصاص‌یافته برای آموزش، علم، فرهنگ یا امور خیریه در صورتی که هدف نظامی نباشند، می‌تواند در صورت احراز شرایط در شماره جنایت جنگی قرار گیرند. هم این قواعد و مقررات و اصول مسلم حقوقی و قواعد عرفی حقوق بین‌الملل نیز بر ضرورت مراقبت و محافظت از مراکز علمی و خودداری از حمله و تجاوز و گسترش دامنه جنگ بر آنها تأکید دارد. امید است مراجع و سازمان‌های متولی بین‌المللی راجع به موضوع به دور از حب و بغض و جانب‌داری و... با واقع‌نگری نسبت به اعلام و اعلان موضوع در محکومیت این جنایات اقدام کنند تا از ساده‌انگاری و... این‌گونه اقدامات از ناحیه دولت‌های متخاصم جلوگیری شود و. بیش از این حقوق بشردوستانه و مراجع کیفری بین‌المللی بازیچه دست حاکمان زر و زور نامشروع در تعدی و تجاوز به اماکن آموزشی و دانش‌آموزان و دانشجویان واقع نشود. از تفسیر موسع این قوانین به منظور عادی‌انگاری انسان‌کشی و قتل نفس مردم جلوگیری شود. با محاکمه و مکافات جنایتکاران در دادگاه‌های بین‌المللی بار دیگر حقانیت و صلاحیت محاکم بین‌المللی چون رسیدگی به جنایات سران نازی در دادگاه نورنبرگ تکرار شود و برگ زرینی بر جاودانگی و پویایی مراجعه کیفری بین‌المللی بر مجازات متجاوزان به ثبت برسد.

متذکر می‌شود در نگارش این مقاله از پایان‌نامه دکتری نگارنده استفاده شده است.

گزارش «شرق» از تعدیل و بیکاری خبرنگاران و تعطیلی برخی از رسانه‌ها در سال جدید

سال بیکاری روزنامه‌نگاران

روزنامه‌های «پیام ما»، «دنیای اقتصاد» و مجله «شبکه آفتاب» دست به تعدیل گسترده زده یا تعطیل شده‌اند، روزنامه «هم‌میهن» همچنان توقیف است و گروهی از خبرنگاران حقوق و عیدی نگرفته‌اند

نیلوفر حامدی: سال ۱۴۰۴ برای روزنامه‌نگاری ایران، به نحو تراژیکی به پایان رسید؛ تعدیل نیروی گسترده، بسته‌شدن برخی روزنامه‌ها و پرداخت‌نکردن حقوق بسیاری از خبرنگاران، عیدی غم‌انگیز اصحاب رسانه شد. بیش از صد نیروی انسانی شامل روزنامه‌نگار و نیروی کادر اداری از یکی از بزرگ‌ترین رسانه‌های خصوصی کشور تعدیل شدند. از سوی دیگر، «پیام ما»، یکی از روزنامه‌های کشور که در سال‌های حضورش کارنامه روشنی هم ساخته بود، تا اطلاع ثانوی به کار خود پایان داد تا ده‌ها روزنامه‌نگار عملا بیکار شوند. دراین‌میان روزنامه «هم‌میهن» که پیش‌تر و در پی برخورد قضائی بسته شده بود، آخرین روزهای اسفند، خبر منتشرنشدن را به خبرنگارانش داد و از آن طرف هم مجله «شبکه آفتاب» اعلام کرد دیگر منتشر نمی‌شود. در کنار همه اینها چندین روزنامه‌نگار از رسانه‌های مختلف در گفت‌وگو با «شرق»، از دریافت‌نکردن حقوق و عیدی اسفندماه خود خبر داده‌اند. اگرچه معاونت مطبوعاتی کشور حرف از حمایت می‌زند، اما به نظر می‌رسد ضربه‌ای که به مطبوعات کشور وارد شده است، به این سادگی‌ها جبران‌شدنی نباشد.

شوک تعدیل نیرو از دو رسانه به طور هم‌زمان

«فاطمه باباخانی» سال‌هاست در رسانه‌های مختلف کشور قلم می‌زند. محیط زیست حوزه تخصصی اوست و در تمام این سال‌ها دغدغه جدی خود در حوزه طبیعت این کشور را لابه‌لای گزارش‌هایش درج کرده است. حالا او یکی از روزنامه‌نگارانی است که شغلش را از دست داده است. اولین ضربه را زمانی خورد که فهمید روزنامه «پیام ما» تا اطلاع ثانوی منتشر نخواهد شد: «طبق آنچه مدیران رسانه به ما اعلام کردند، روزنامه با آن سر و شکلی که پیش‌تر منتشر می‌شد، تا اطلاع ثانوی وجود نخواهد داشت. البته توضیح دادند که می‌توانیم فعلا به شکل حق‌التحریر به کار ادامه دهیم و محتوا هم در سایت روزنامه منتشر می‌شود. اما خب، روشن است که با حقوق روزنامه‌نگاری حق‌التحریری نمی‌توان زندگی را جلو برد. آن‌هم در شرایط اقتصادی فعلی جامعه».

باباخانی تا پیش از امسال در دو رسانه به طور هم‌زمان کار می‌کرد و از بداقبالی، هر دوی این رسانه‌ها دست به تعدیل نیرو زدند. رسانه دومی که این روزنامه‌نگار با آن کار می‌کرد و بیمه شغلی‌اش هم از همان‌جا رد می‌شد، «دنیای اقتصاد» بود: «آخرهای سال بود که دبیر سرویس، خبر تعدیل نیرو را داد. بعد هم از مدیریت منابع انسانی تماس گرفتند و گفتند که چنین تصمیمی گرفته شده است و نامه‌اش هم ارسال شد. خوشبختانه من این شانس را دارم که در همکاری با رسانه دیگری بیمه‌ام رد شود و مجبور نشوم سراغ بیمه بیکاری بروم». او توضیح می‌دهد خودش و سایر نیروهای مجموعه هیچ انتظار نداشتند که تنها چند روز مانده به عید نوروز با چنین برخوردی مواجه شوند: «واقعا فکرش را هم نمی‌کردیم که به جای عیدی، ما را از کار بیکار کنند. تازه وقتی روزنامه بسته شد، با خودم گفته بودم که خوشبختانه من دو جا کار می‌کنم و حداقل یک کار دیگر دارم. اما ناگهان خبر تعدیل «دنیای اقتصاد» هم رسید که به‌شدت تکان‌دهنده بود».

این روزنامه‌نگار می‌گوید فارغ از مسائل مالی، این شکل قطع همکاری با نیروی کار، تأثیرات بلندمدتی بر روان و زیست نیروی انسانی می‌گذارد: «یک وجه این موضوع مرتبط با مسائل مالی و حوزه اقتصادی است؛ که البته ساده و کم‌رنگ هم نیست. در شرایط فعلی که همه چیز با تورم درخورتوجهی گران‌تر شده است، موضوع اقتصادی ماجرای معمولی در زندگی مردم به حساب نمی‌آید، باوجوداین، در مسئله تعدیل نیروها، فقط بُعد اقتصادی نیست که به افراد فشار می‌آورد. این حس که یکباره شما را به‌عنوان نیروی انسانی متخصص کنار می‌گذارند، به شکل دیگری روان و زیست نیروی انسانی را به خطر می‌اندازد و همه زندگی افراد را دچار اختلال می‌کند. یک زمانی بود که تعدیل نیرو برای رسانه‌ها تبعات درخورتوجهی به همراه داشت. اما حالا این رفتارها و برخوردها گویا کاملا عادی شده است».

بیکاری در آستانه عید

«مژگان میرزایی»، خبرنگار باسابقه حوزه اقتصادی است که زمستان سال گذشته خودش از همکاری با روزنامه دنیای اقتصاد کناره‌گیری کرد. او حالا از وضعیت این رسانه می‌گوید: «می‌دانستیم که برنامه‌هایی برای تعدیل نیرو وجود دارد. ماه‌ها بود که شایعه‌اش در مجموعه پیچیده بود. اما کسی تصورش را هم نمی‌کرد که مدیران مجموعه در آستانه نوروز چنین تصمیمی بگیرند. همه فکر می‌کردند اگر چنین قصدی هم وجود داشته باشد، بعد از سیزده به‌در انجام خواهد شد. برای همین هم موجی از تعجب و البته رنجیدگی را به همراه خود داشت». او البته تأیید می‌کند که شرایط اداره روزنامه برای خود مدیران نیز دشوار شده است: «البته ما روزنامه‌نگاران هم می‌دانیم شرایط اقتصادی برای مدیران رسانه مساعد نیست. نقدینگی کم شده بود. درآمد آگهی‌ها هم در ماه‌های اخیر کم شده بود. همین هم روی کل درآمدهای روزنامه اثر گذاشت. در نتیجه، گویا راحت‌ترین کار این بود که نیروی انسانی تعدیل شود».

او با اشاره به تعداد نیروهایی که در مجموعه دنیای اقتصاد کارشان را از دست داده‌اند، توضیح می‌دهد: «عدد دقیقی که نداریم اما طبق آنچه دیدیم و شنیدیم، حدود ۷۰ درصد از نیروها بیکار شده‌اند. نزدیک به ۵۰ نفر از روزنامه‌نگاران خود روزنامه تعدیل شدند. ده‌ها نفر از بخش اداری. همچنین چند نفری هم از بخش «اکو». از سوی دیگر، خود روزنامه که پیش‌تر در ۳۲ صفحه منتشر می‌شد، با کاهش یک‌دومی، به ۱۶ صفحه رسید که همین هم اتفاق ناخوشایندی برای مطبوعات کشور است».

به گفته میرزایی این تصمیم می‌تواند باعث الگوگیری سایر رسانه‌ها نیز شود: «دنیای اقتصاد به عبارتی بزرگ‌ترین رسانه خصوصی کشور محسوب می‌شود. رسانه بزرگی که نیروهای بسیار زیادی را جذب کرده بود و خبرنگاران متعددی در تمام این سال‌ها آنجا به کار مشغول شده بودند. این تصمیم با چنین ابعاد بزرگی از سوی این روزنامه می‌تواند سبب شود دیگر رسانه‌ها نیز به سراغ همین گزینه برای کاهش هزینه‌های خود بروند. معلوم است که در این شرایط اقتصادی، مدیر رسانه هم با خودش فکر می‌کند وقتی می‌تواند یک صفحه روزنامه را تنها با یک نفر دربیاورد، چرا باید خود را مسئول حقوق و بیمه چندین نفر کند؟».

این روزنامه‌نگار با اشاره به فقدان حمایت از سوی نهادهای مرتبط، به حرف‌های خود پایان می‌دهد: «سال‌هاست که روزنامه‌نگاران در شرایط سختی امرار معاش می‌کنند. روزنامه‌ها یکی‌یکی بسته شدند. حقوق‌های‌شان کم و کمتر شد. به‌مرور مدیران رسانه از بیمه‌کردن آنها سر باز زدند و اگر جایی مثل صندوق هنر نبود که یک محل بیمه‌ای برای اهالی مطبوعات شود، خیلی از روزنامه‌نگاران مجبور می‌شدند بدون بیمه کار کنند. همین الان هم بیشتر آنها با پایه بیمه ثبت می‌شوند و از کیفیت بیمه خوبی برخوردار نیستند. نهادهای صنفی هم در سال‌های اخیر به‌وفور افت کردند و انجمن فعلی هم حقیقتا کار خاصی برای تقویت کیفیت زیست خبرنگاران از دستش برنمی‌آید. وزارت ارشاد هم بیشتر تعاملش با مدیران رسانه است و نه خبرنگار. همین هم می‌شود که خبرنگاران کشور عملا بدون هیچ نهاد حمایت‌کننده‌ای باید به یکی از دشوارترین شغل‌های دنیا ادامه دهند».

اما آسیب وارده به رسانه‌ها تنها به تعدیل نیرو محدود نماند. برخی رسانه‌ها نیز از پرداخت حقوق اسفندماه نیروهای خود سر باز زدند. شنیده‌ها حاکی از آن است که در چندین خبرگزاری و روزنامه این اتفاق افتاده و حقوق اسفند و حتی عیدی کارکنان پرداخت نشده است. یکی از این روزنامه‌نگاران که نخواست نامش در گزارش بیاید، می‌گوید که تنها با یک جمله جوابش را داده‌اند: «پول نداریم!».

درد بی‌درمان

«هومن عظیمی»، مدیر کل مطبوعات و رسانه‌های داخلی، با اشاره به مشکلات اقتصادی موجود در رسانه‌ها که از سال گذشته تشدید پیدا کرده، به «شرق» می‌گوید: «ما از سال گذشته با این معضل درگیر بودیم و سعی می‌کردیم تمام اتفاقات پیرامون این موضوع را هم رصد کنیم. مشکلات اقتصادی جاری در کشور از یک سو و تحریم‌ها و جنگ از سوی دیگر، فشار مضاعفی برای اصحاب رسانه ایجاد کرد. حالا، افزایش حداقل دستمزدها به ۶۰ درصد هم باعث هراس جدی رسانه‌هایی شده است که درآمدهای‌شان را در سال گذشته از دست داده‌اند».

عظیمی، با فهرست‌کردن اقدامات حمایتی برای رسانه‌ها ادامه می‌دهد: «اقدامات حمایتی متعددی همیشه در دستور کار ما وجود داشت. به طور مثال، تأکید ریاست معاونت مطبوعاتی کشور بر اینکه از رسانه‌هایی که جذب نیروی بالاتری و بیمه‌شدگان بیشتری دارند حمایت کنیم، یکی از همین اقدامات بود؛ چراکه برای ما مهم بود از اشتغال روزنامه‌نگاران حمایت شود. آگهی دولتی هم بخش دیگر کار ماست که می‌دانیم به مدیران رسانه‌ها و درآمدهای‌شان کمک می‌کند و می‌تواند بخش درخورتوجهی از هزینه‌ها را پوشش دهد. در بحبوحه همین جنگ، وزیر ارشاد از معاونت مطبوعاتی بازدید کردند و تصمیم بر این شد که به‌روزرسانی نرخ این آگهی‌های دولتی از ابتدای سال انجام شود و رقمش افزایش پیدا کند. مهم بود که درآمد این آگهی‌ها از سبد روزنامه‌ها حذف نشود». مدیرکل مطبوعات و رسانه‌های داخلی از حمایت ویژه مرتبط با جنگ نیز سخن می‌گوید: «همچنین مقرر شد برای رسانه‌هایی که در زمان جنگ پای کار بوده‌اند و با وجود همه دشواری‌ها و خطرات اخبار را پوشش داده‌اند، یارانه ویژه‌ای در نظر گرفته شود. همان‌طورکه در جنگ ۱۲روزه چنین کاری کردیم. استفاده از ظرفیت بیمه صندوق هنر و همچنین بیمه بیکاری برای افرادی که شغل‌شان را از دست داده‌اند نیز در فهرست همین اقدامات حمایتی مخصوص دوران جنگ است».

عظیمی البته در پایان توضیح می‌دهد که توصیه‌نامه‌های معاونت مبتنی بر حمایت همیشگی از نیروی انسانی است: «ما در دستورالعمل‌های جنگ که برای رسانه‌ها ارسال می‌کنیم، تأکید داریم که گزینه تعدیل و حذف نیرو، نباید گزینه اول آنها باشد. کم‌کردن صفحات روزنامه‌ها، تأکید بیشتر روی نسخه‌های الکترونیکی به جای نسخه کاغذی و حذف یا کم‌کردن شاخص‌های دیگر، راهکارهای بهتری برای سرشکن‌کردن هزینه‌ها و صرفه‌جویی است؛ چراکه تعدیل و حذف نیرو به مسیر اندیشه و تفکر نیز آسیب می‌زند».

خبرخوان

آسیب به ۲۷ مرکز بهزیستی

ایسنا: رئیس سازمان بهزیستی کشور با اشاره به فعالیت گسترده مراکز نگهداری شبانه‌روزی در کشور اعلام کرد: «در پی حوادث اخیر، ۲۷ مرکز دچار آسیب شدند و در همین راستا، با اقدامات فوری، حدود ۲۴ هزار نفر از مددجویان به مناطق امن منتقل شدند».

جواد حسینی با تأکید بر گستردگی شبکه خدمات حمایتی در کشور گفت: «در حال حاضر حداقل پنج‌هزارو ۲۰۰ مرکز و مؤسسه به‌صورت شبانه‌روزی مسئولیت نگهداری از کودکان، نوجوانان، معلولان، سالمندان و بیماران اعصاب و روان را بر عهده دارند؛ برخی از این مجموعه‌ها ممکن است در مجاورت مراکزی باشند که ممکن است در معرض آسیب باشند».

حسینی در ادامه از اقدامات فوری برای صیانت از مددجویان خبر داد و گفت: «حدود ۱۸۰ مرکز به مناطق امن منتقل و در مجموع حدود ۲۴ هزار نفر جابه‌جا شدند. همچنین ۲۲ هزار نفر دیگر با رویکرد خانواده‌محور و با همکاری قوه قضائیه، به کانون خانواده‌ها رفته‌اند».

حسینی با اشاره به عملکرد اورژانس اجتماعی ۱۲۳ تأکید کرد: «اورژانس اجتماعی ۱۲۳ خدمات حرفه‌ای روان‌شناختی و اجتماعی ارائه می‌دهد و هنگام مواجهه با آسیب ازجمله کودک‌آزاری، سالمندآزاری یا خودکشی، آمبولانس اورژانس اجتماعی به محل می‌رود. این مجموعه ۶۰۰ تیم عملیاتی سیار دارد که در ایام جنگ ۱۰ هزار عملیات در مناطق آسیب‌دیده انجام دادند که حدود سه هزار مورد مربوط به آثار ناشی از جنگ بوده است».

نگهداری از کودکان بی‌سرپرست‌شده

معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با صدور نامه‌ای خطاب به مدیران کل استان‌ها بر آمادگی فوری بهزیستی برای مراقبت از کودکانی که در شرایط جنگی سرپرست خود را از دست می‌دهند، تأکید کرد.

حسن موسوی‌چلک در نامه‌ای خطاب به مدیران کل بهزیستی استان‌ها اعلام کرد: «در شرایط جنگی و بر اثر حملات به مناطق مسکونی چنانچه کودکانی به دلیل شهادت والدین یا بستری‌شدن آنان در مراکز درمانی فاقد سرپرست باشند تا تعیین تکلیف وضعیت حضانت آنان، مسئولیت نگهداری و مراقبت از این کودکان بر عهده بهزیستی خواهد بود».

او با تأکید بر اینکه تشکیل پرونده در بنیاد شهید و امور ایثارگران نیز ممکن است در لحظه انجام نشود، افزود: «تا زمان تعیین تکلیف وضعیت حضانت این کودکان یا ترخیص والدین و سرپرستان قانونی از مراکز درمانی، نگهداری و مراقبت از آنان بر عهده سازمان بهزیستی است».

موسوی‌چلک از مدیران کل بهزیستی استان‌ها خواست با مسئولان مرتبط در استان هماهنگی لازم را انجام دهند و آمادگی بهزیستی را برای مراقبت از این گروه از کودکان اعلام کنند.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب زهرا ملا** فرزند موسی به شماره شناسنامه ۱۰۷۱ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته علوم اجتماعی (خدمات اجتماعی) صادره از واحد دانشگاهی تهران مرکز (تاریخ ۱۳۷۲/۱۰/۰۷) مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می گردد مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به نشانی: تهران-سوهانک-بلوار ارتش-میدان قائم-خیابان خندان-خیابان سلماس ارسال فرمایید.

برگ سبز **خودروسواری جک J4-CVT** مدل ۱۴۰۰ به رنگ سفید روغنی و شماره شاسی NAKNF752XMB106702 و شماره موتور HFC4GB23DM0001530 و شماره پلاک ایران ۶۶-۴۴۹ ه ۱۶ بنام **مهرانگیز توکلی یرکی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد

سند سبز **موتورسیکلت بنلی ۲۵۰** مدل ۱۳۹۶ به رنگ مشکی به شماره پلاک انتظامی ۶۱۱۴۵-ایران ۱۵۷ به نام **محمدرضا یلان** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اسناد شرکت و به همراه مهر **شرکت آلما صنعت پایتخت** به شماره ثبت ۶۲۸۳۱۶ در تاریخ ۱۴۰۵/۰۱/۱۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.
شرکت آلما صنعت

کارت خودرو و برگ سبز سند مالکیت خودرو سواری پراید رنگ نقره ای متالیک به نام **بابک فیض الهی**
به شماره شاسی: sI۴۱۲۲۸۴۵۹۹۸۱
و شماره موتور: ۰۱۲۳۱۴۴۵
و شماره پلاک انتظامی: ۴۸ص۵۹۸ایران ۵۰
مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کلیه اسناد مالکیت (برگ سبز، سندکمپانی، کارت و..) وانت پیکان مدل ۸۰
به شماره پلاک انتظامی: ۹۷۴ ه ۵۸ - ایران ۱۶
و شماره موتور: ۱۱۵۱۸۰۱۹۳۴۴
و شاسی: ۰۰۸۰۹۱۹۶۷۴
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی موتور سیکلت: پالس ۱۸۰ یو جی ۳ پره
رنگ: قرمز، مدل: ۱۳۸۷ به شماره موتور: ۱۶۶ ایران ۱۸۸۲۵
و شماره شاسی: NEO...۱۸۰A۸۶۰۸۳۶۳
به نام: **حمید بهاری نصر**
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.